

شکست روایت سازان

نگاهی به کتاب از مصدق تاریخی تا مصدق اسطوره‌ای

تاریخ معاصر

گروه کتاب

با گذشت ۷۳ سال از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مصدق، او نه تنها به تاریخ نیپوسته بلکه میراث و خاطره‌اش موضوع چالش‌های داغ سیاست روز است. کتاب «از مصدق تاریخی تا مصدق اسطوره‌ای: با نگاهی به آثار و اسناد کمتر دیده‌شده» نوشته علی اصغر سیدآبادی می‌کوشد پرسش را از درون تجربه‌ای ایرانی دنبال کند که چگونه سیاستمداری که دولتش در یکی از روزهای مرداد ۱۳۳۲ فروپاشید، در حافظه بخش‌هایی از جامعه ایران از شکست سیاسی خود جان سالم به در برده و به مصدقی تبدیل شده است که نزاع بر سر او هنوز ادامه دارد.

تحلیل پدیدار مصدق

درباره محمد مصدق بسیار نوشته‌اند، اما بخش بزرگی از این نوشته‌ها هنوز حول چند پرسش آشنا می‌گردد: آیا ۲۸ مرداد کودتا بود؟ نقش آمریکا و بریتانیا چه بود؟ مصدق در مذاکرات نفت چه خطاهایی داشت؟ آیا شاه حق عزل نخست‌وزیر را داشت؟ حزب توده و آیت‌الله کاشانی در شکست نهضت ملی چه نقشی داشتند؟ و در نهایت، مصدق سیاستمداری کامیاب بود یا شکست خورده؟ سیدآبادی در کتاب «از مصدق تاریخی تا مصدق اسطوره‌ای» از این پرسش‌ها فاصله می‌گیرد و موضوع دیگری را پیش می‌کشد: فارغ از داورِ درباره کارنامه مصدق، چگونه یک سیاستمدار تاریخی به شخصیتی اسطوره‌ای در حافظه ایرانیان تبدیل شد؟ نویسنده از همان پیشگفتار مرزش را با تاریخ‌نگاری متعارف مشخص می‌کند و تأکید می‌کند کتاب نه تاریخ زندگی مصدق است، نه مدعی کشف سبند تازه است و نه برای ستایش یا نقد کارنامه سیاسی او نوشته شده است. موضوع کتاب چیزی است که نویسنده آن را «پدیدار مصدق» می‌نامد و درباره این موضوع است که مصدق در افکار عمومی و «روان جمعی» ایرانیان چگونه پدیدار شده و «مصدق تاریخی» تحت چه شرایطی به «مصدق اسطوره‌ای» تبدیل شده است؟

جالب این است که این پرسش در پژوهش‌های تازه خارج از ایران نیز مطرح است. در سال ۲۰۲۴، «International Journal of Middle East Studies»، نشریات دانشگاهی شناخته‌شده مطالعات خاورمیانه که انتشارات دانشگاه کمبریج منتشر می‌کند، پرونده‌ای با موضوع «برکناری مصدق پس از هفتاد سال: میراث‌ها و خاطره‌ها» گشوده است. لیور استرنفلد در آغاز این پرونده، «Reflections on Mohammad Mossadeq» تقریباً به همان مسأله‌ای اشاره می‌کند که در مرکز کتاب حاضر قرار دارد: شخصیت و سیمای متمایز مصدق در شکل‌گیری جایگاه «اسطوره‌ای» او در حافظه ملی ایرانیان نقش داشته است. او سپس می‌پرسد این ماجرا امروز چه اثری بر حافظه جمعی ایرانیان داخل و خارج کشور دارد؟

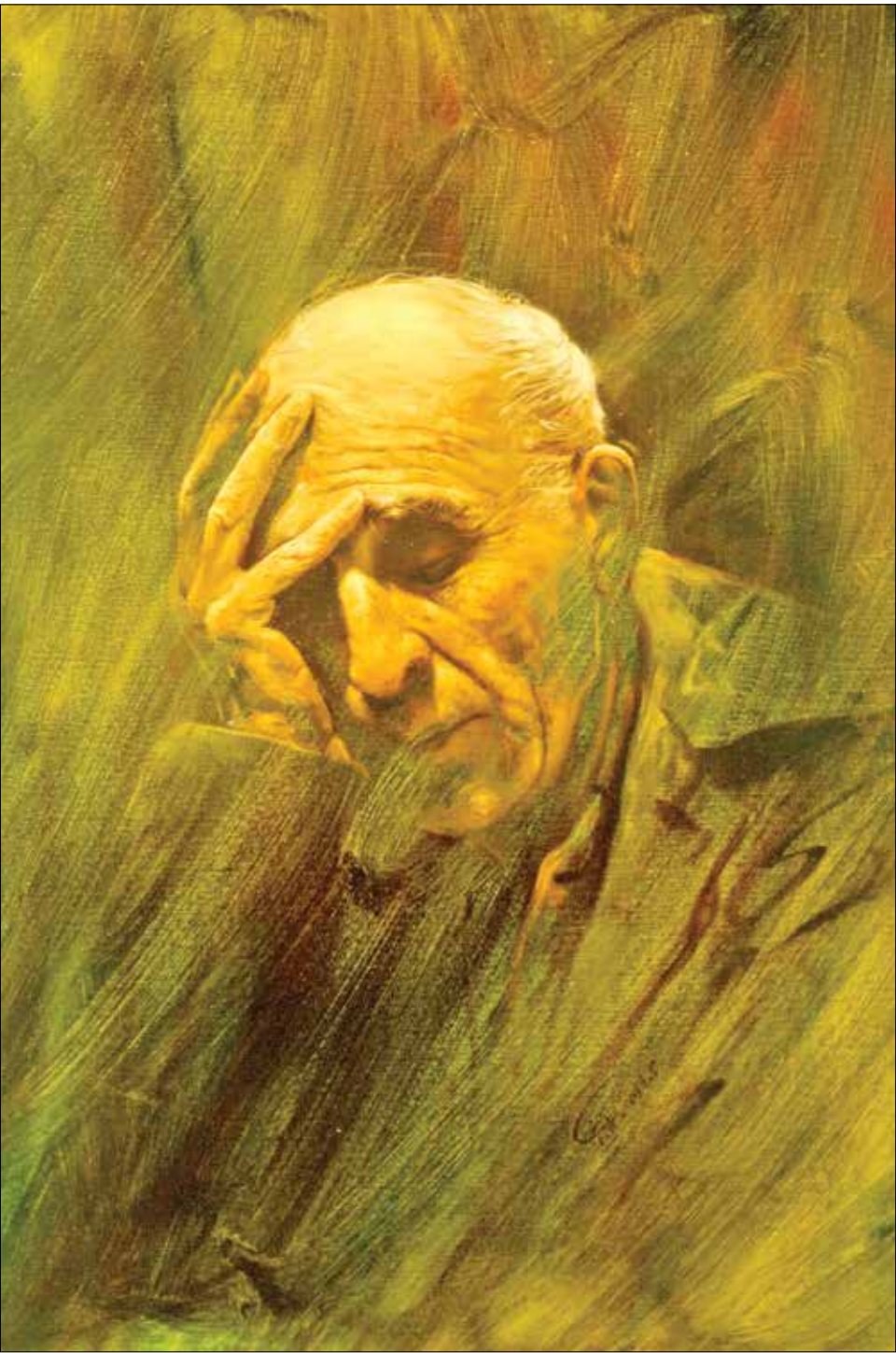
از عملیات روانی تا شکست روایت رسمی

کتاب «از مصدق تاریخی تا مصدق اسطوره‌ای» در ۲ بخش و ۱۰ فصل تنظیم شده است. بخش نخست به «سیمای مصدق در روایت‌ها» اختصاص دارد: تحول سیمای مصدق، تولد مفهوم کودتا و تبدیل آن به «قیام ملی»، تحول روایت محمدرضا پهلوی از ۲۸ مرداد و ۲۵ سال روایت‌سازی رسمی پس از کودتا، بخش دوم به زمینه‌هایی می‌پردازد که از نظر نویسنده موجب ظهور «مصدق اسطوره‌ای» شدند، مثل احساس تحقیر ملی، امیدهای برادررفته، رفتار مصدق در روزهای پایانی، دادگاه، سانسور و سرانجام نقش روان جمعی و ادبیات.

یکی از نکات جالب کتاب این است که کودتای ۲۸ مرداد را از زویه ارتباطات و روابط عمومی نیز می‌بیند. او گزارش دونالد ویلبر و دیگر اسناد عملیات براندازی را به مثابه اسناد یک برنامه ارتباطی و عملیات روانی می‌داند. بر اساس خوانش کتاب، پیش از اقدام نظامی، برنامه‌ای برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و بازیگران سیاسی اجرا شد که تشدید شکاف بین شاه و مصدق، اختلاف میان مصدق و آیت‌الله کاشانی و بخش‌هایی از جبهه ملی، استفاده از مطبوعات و تبلیغات و برجسته کردن خطر حزب توده از اهداف و پیام‌های آن بود. نویسنده در عین حال تأکید می‌کند توجه به این برنامه نباید به نظریه توطئه و نادیده گرفتن خطاهای بازیگران ایرانی منجر شود. اما مسأله اصلی

کتاب تازه از بعد از ۲۸ مرداد آغاز می‌شود. حکومت تازه دو کار را همزمان انجام داد. از یک سو کوشید روایتی رسمی از واقعه بسازد که در آن براندازی مصدق به‌تدریج به «قیام ملی» تبدیل می‌شد و از سوی دیگر، امکان شکل‌گیری روایت رقیب را با سانسور و سرکوب محدود کرد. با این حال چر این برنامه، رسانه‌های رسمی و بلندمدت نتوانست روایت مطلوب خود را تثبیت کند؟ پاسخ نویسنده در اختیار تعامیزی جست که میان «افکار عمومی» و «روان جمعی» می‌گذارد. افکار عمومی را می‌توان به رسانه، تبلیغات و روابط عمومی در دوره‌ای معین تحت تأثیر قرار داد، اما روان جمعی در زمانی طولانی‌تر شکل گرفته و با اسطوره‌ها، خاطرات تاریخی و الگوهای فرهنگی

پیوند دارد. این تمایز، ستون نظری کتاب است و در عین حال یکی از جاهایی است که می‌توان درباره آن بحث کرد. سانسوری که نتیجه معکوس داد از ایده‌های قابل تأمل کتاب این است که سانسور مصدق در دوره پس از ۱۳۳۲ نتیجه‌ای خلاف مقصود حکومت داشت. فرض نویسنده این است که اگر پس از سقوط دولت، بحث آزاد درباره مصدق ادامه پیدا می‌کرد، احتمالاً ستایش و نگوشش او نیز مانند بسیاری از سیاستمداران دیگر ادامه می‌یافت و به‌تدریج از حرارت آن کاسته می‌شد و داور و نگاه عمومی به مصدق ممکن بود شبیه چیزی باشد که در مورد قوام و پام‌های آن بود. اما چون پس از ۲۸ مرداد نام مصدق را نمی‌شد آزدانه به زبان آورد و دفاع از او تقریباً ناممکن شد، روایت رسمی تقریباً بی‌رقیب در رسانه‌های



پرتره محمد مصدق از مرتضی کاتوزیان/رنگ و روغن روی بوم، ۵۰ × ۶۰ سانتی متر، ۱۳۶۹

نویسنده با بررسی این صورت‌جلسات می‌کوشد از رفت‌وآمد تحصیلکردگان ایرانی خارج از کشور نشانهای درباره امید و ناامیدی گروه‌های تحصیلکرده پیدا کند. بر اساس یافته‌های کتاب، با به قدرت رسیدن مصدق بازگشت تحصیلکردگان افزایش می‌یابد، پس از براندازی او ناگهان کاهش پیدا می‌کند و پس از برکناری زاهدی دوباره افزایش می‌یابد.

نقش ساختن اسطوره مصدق

اما کتاب سیدآبادی تمام ماجرا را به کودتاگران، سانسور و ادبیات نسبت نمی‌دهد. بخشی از «مصدق اسطوره‌ای» از نظر نویسنده، ساخته خود مصدق است. در این قسمت، کتاب وارد قلمرو بحث‌برانگیزتری می‌شود. رفتار مصدق، بیماری و غش کردن‌هایش، شیوه مواجهه‌اش با مخالفان و به‌خصوص نحوه حضور او در دادگاه از منظر نویسنده صرفاً ویژگی‌های شخصیتی نیستند. او همین رویداد را دربارۀ تفسیر رفتار قدرت‌طلبان و روایت را می‌شناسد و می‌تواند از ضعف ظاهری به عنوان نوعی نقد سیاسی استفاده کند. عنوان فصل هشتم گویاست: «مجلس شبیه‌خوانی مصدق و صف اشقیاء». تفسیر نویسنده این است که مصدق در بخش‌هایی از دادگاه آگاهانه نقش تعزیه‌گران را می‌گیرد و مخالفانش را در «مقتل» سیاسی خود به ایفای نقش وامی‌دارد. دادگاهی که قرار بود شکست و محکومیت مصدق را به نمایش بگذارد، از این منظر به صحنه‌ای برای ساختن تصویر دیگری از او تبدیل شد. نویسنده همین رویداد را دربارۀ تفسیر رفتار مصدق در ۲۸ مرداد نیز لحاظ می‌کند. به نظر سیدآبادی، تنهایی مصدق در آن روز، امتناعش از همکاری نظامی با حزب توده و سقوط دولت، برای شکل‌گیری یک روایت‌تراژیک بسیار مهم‌اند؛ اما میان کتاب‌هایی که بعداً معنایی تراژیک پیدا کرد، و «انتخاب آگاهانه سرنوشت تراژیک» فاصله‌ای است که پر کردنش نیاز به استنادات بیشتری دارد، هرچند نویسنده با ارجاع به نقل قول‌های نئی چند مثل فاطمی و غلامحسین مصدق و نورالدین کیانوری و خود مصدق کوشیده است، این فاصله را پر کند.

نویسنده کتاب «از مصدق تاریخی تا مصدق اسطوره‌ای» از همان پیشگفتار مرزش را با تاریخ‌نگاری متعارف و تأکید می‌کند کتابش نه تاریخ زندگی مصدق است، نه مدعی کشف سند تازه است و نه برای ستایش یا نقد کارنامه سیاسی او نوشته شده است.

موضوع کتاب چیزی است که سیدآبادی آن را «پدیدار مصدق» می‌نامد و درباره این موضوع است که مصدق در افکار عمومی و «روان جمعی» ایرانیان چگونه پدیدار شده و «مصدق تاریخی» تحت چه شرایطی به «مصدق اسطوره‌ای» تبدیل شده است؟

روان جمعی با حافظه جمعی

اصلی‌ترین مسأله نظری کتاب «از مصدق تاریخی تا مصدق اسطوره‌ای» به مفهوم «روان جمعی» برمی‌گردد. نویسنده خود از دشواری این مفهوم آگاه است و در فصل پایانی به مباحث نظری مربوط به آن و از جمله با ارجاع به جفری الکساندر به بحث زخم جمعی می‌پردازد. در این بخش تأکید می‌شود که در آسیب جمعی، صرف وقوع حادثه تعیین‌کننده نیست و برساخت اجتماعی آن در قالب خاطره جمعی اهمیت دارد. با این حال، هر جا سخن از روان جمعی ایرانیان می‌رود، این پرسش پیش می‌آید که دقیقاً از چه جمعیتی حرف می‌زنیم. آیا شعر و شغری دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ بازتاب روان جمعی تمام ایرانیان است؟ روستاییان، طبقات شهری، مذهبی‌ها، بازاریان، کارگران، دانشگاهیان و گروه‌های قومی مختلف تجربه یکسانی از مصدق ۲۸ مرداد داشتند؟ اسناد دیگری مثل نامه‌های مردمی نیز به مصدق وجود دارد که می‌توان آنها را هم در کنار این دید. با این حال نویسنده ترجیح داده است، ادبیات و بویژه شعر را بررسی کند، شاید به این دلیل که می‌توان سیر مضمونی را به صورت طولی در آن بررسی کرد. با این حال شاید مفهوم محدودتر حافظه جمعی که در بعضی بخش‌های کتاب به کار رفته، قابلیت سنجش بیشتری داشته باشد. جالب است که ادبیات پژوهشی تازه درباره مصدق نیز بیشتر از همین زبان استفاده می‌کند. پرونده پیش‌گفته در مجله «International Journal of Middle East Studies» دقیقاً عنوان فرعی «Legacies and Memories» دارد و استرنفلد نیز مسأله را در چارچوب «national memory» و «collective memory» مطرح می‌کند. این مقایسه می‌تواند یکی از مسیرهای ادامه پژوهش کتاب باشد: جدا کردن دقیق‌تر «افکار عمومی»، «حافظه جمعی» و «روان جمعی» و تعیین اینکه هر کدام با چه شواهدی قابل بررسی‌اند.

نقش مخالفان مصدق

شاید یکی از نتایج جالب کتاب این باشد که برای ساختن یک اسطوره لازم نیست همه نیروهایی که در ساخت آن مشارکت می‌کنند، ستایشگر آن شخصیت باشند. در روایت سیدآبادی، مخالفان مصدق از جمله کسانی که علیه او عملیات تبلیغاتی کردند: حکومتی که نامش را سانسور کرد، دستگاهی که دادگاهش را نیمه‌علنی برگزار کرد، روایت رسمی‌ای که ۲۸ مرداد را «قیام ملی» خواند و حتی مخالفانی که سال‌ها بعد در خاطرات خود تصویری پیچیده‌تر از او ارائه کردند نیز ناخواسته در ساختن مصدق اسطوره‌ای سهم دارند. از این حیث، کتاب به بحث «حافظه‌های مناقشه‌آمیز» نزدیک می‌شود. دیوید پیئتر و گرگوری پرو در کتاب «The Struggle for Iran» در ۲۰۲۳ فصلی مستقل با عنوان «History and Contested Memories» دارند و نشان می‌دهند روایت‌ها و برداشت‌های ساخته شده پیرامون ملی شدن نفت و کودتا چگونه در فهم بعدی این بحران دخالت کرده‌اند. البته تفاوت مهم اینجاست که پیئتر و پرو در پی بازایی تاریخ واقعه از زیر لایه‌های روایت‌های متعارض‌اند، در حالی که «از مصدق تاریخی تا مصدق اسطوره‌ای» خود همین لایه‌های روایی را موضوع تحقیق قرار می‌دهد و این شاید دقیق‌ترین راه برای تعیین جایگاه کتاب باشد. این کتاب قرار نیست به ما بگوید مصدق واقعاً قهرمان بود یا نبود. حتی قرار نیست ثابت کند «مصدق اسطوره‌ای» به «مصدق تاریخی» چه مقدار فاصله دارد. پرسش اصلی این مقدم بر این داور است: اصلاً این اسطوره چگونه ساخته شد؟ پاسخی که کتاب پیشنهاد می‌کند حاصل کنار هم قرار دادن چند فرآیند مانند زمینه تاریخی احساس تحقیر ملی و مسأله استقلال و امید «مسأله راهان» به دست داده است. تنها کافی است یک بار دیدگاه‌های او و شیوه استدلالش درباره این موضوع و دلایل مخالفتش با خط آهن شمال به جنوب خوانده شود تا گستره دانش، دقت‌های سیاستی و از همه بالاتر به «روش یا منطق استدلال» او پی برد. این بخش از کتاب از درخشان‌ترین صفحه‌های کتاب است که به‌مانند هر اثر پژوهشی دیگر، با پاسخ به برخی از کتاب به درک اقتصادی مصدق از مفهوم سبتر و پیچیده استقلال پرداخته شده است. به باور نویسنده، استقلال برای او فقط شعار سیاسی نبود. مصدق می‌دانست کشوری که مالیه مستقل، بنیه تولیدی، نظام اداری منظم و نهادهای قانونی نداشته باشد، در برابر فشار خارجی آسیب‌پذیر می‌ماند. از همین رو، توجه او به شرکت‌های سهامی، مالیه، بودجه، شیوه‌های نوین اداره و نقد پروژه‌های بزرگ مانند راه‌آهن، بخش مهمی از شخصیت او را روشن می‌کند.

برای ایرانیانی که ماه‌ها به غایت دشوار و پرتنش و مملو از اضطراب و اضطراب را سپری کرده‌اند، خواندن این کتاب می‌تواند به فهمی تاریخی از مشکلات امروز کمک کند. در این کتاب با مرور زندگی مصدق و بازخوانی دیدگاه‌های او درباره مباحثی به‌جز نفت، راهنماها و چارچوب‌های درخوری برای تأمل درباره مسأله‌هایی چون رابطه مردم و حکومت، مسأله قانون، اقتصاد سیاسی وابستگی، نقش نهادهای مالی، خطر تمرکز قدرت و نسبت میان استقلال و توسعه به دست آورد. گویی مصدق ایستاده و عصاره و فشرده تمام ۷۰ سال زندگی خویش را پیشکش کرده باشد! تحفه‌ای از مردی که نام ایران را بلند و خوش‌آوازه کرد، کسی که هنوز باید شناختش و هنوز باید از او آموخت. رئیس جعفری در کتاب «مصدق بدون نفت» در پیچه توانمندی برای این شناخت و یادگیری فراهم کرده است. با خاطره مصدق باشد.

کتاب

نیمه پنهان مصدق

رویکردی متفاوت به کارنامه معمار ملی شدن نفت

در مصدق بدون نفت

میکائیل عظیمی

پژوهشگر اقتصاد

محمد مصدق، سال ۱۲۶۱ به دنیا آمد؛ یعنی حدود ۲۴ سال پیش از مشروطه. برای داشتن تصویری روشن‌تر، اگر در آن دوره دانشگاه می‌داشتیم، در کوران سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب مشروطه، مصدق به مانند جوانی دارای مدرک کارشناسی ارشد بود. در آن سوی خط زندگی، وقتی در سال ۱۳۴۵ در احمدآباد فوت کرد، ۱۴ سال از کودتای ۲۸ مرداد گذشته بود. او در سال ۱۳۳۰ وقتی ۶۹ سال (پخوانیم ۷۰ سال) داشت زمام دولت ملی را به دست گرفت تا تنها ۲ سال و ۳ ماه و ۱۵ روز نخست‌وزیر ایران باشد.

همه اینها گفته شد تا مقدمه‌ای باشد برای طرح یک پرسش و تأکید بر یک ضرورت. اگر ۴۰ سالگی را آغاز چلچلی بنامیم، چنانچه در میان ایرانیان رایج است، و ۵۰ سالگی را آغاز دوران ثمردهی عمر بدانیم، که هست؛ محمد مصدق زمانی که نخست‌وزیر شد، قریب به ۳۰ سال از این دوران عمر خویش گذر کرده بود؛ و اگر سن قانونی بازنشستگی در نظر آید (۶۰ سال، که هست) زمانی که ملت ایران ردای رهبری نهضت ملی شدن نفت ایران را بر دوش او گذارد، قریب یک دهه از سن بازنشستگی امروز بیشتر عمر کرده بود؛ بنابراین پرسشی که کمتر بدان توجه شده (شاید) آشکار شود که مصدقی که از نامدارترین چهره‌های تاریخ ایران است و هزاران صفحه درباره او نوشته‌اند و خواهند نوشت، در دوران اوج توان جسمی و باروری فکری خویش «کجای ایران بوده و چه می‌کرده؟» وقتی فرزانه‌ای اندیشمند در قامت محمدعلی موحد، نهضت ملی ایران را «شاهنامه آزادی‌خواهی ایرانیان» می‌نامد، قابل فهم است که چرا چشم‌ها بر آن چند سال ویژه از عمر و زندگانی مصدق متمرکز باشد. اما پرسشی بسیار کلیدی و تعیین‌کننده در میان است: مصدقی که چنان کیفیتی از خویش در دوران پرتلاطم نهضت ملی بروز داد، چنین سطحی از صلاحیت را چگونه به دست آورده بود؟ آیا باید ساده‌انگارانه چنان کیفیتی از سیاست‌ورزی را نتیجه هوش شخصی دانست یا آن را برآمده از کوره داغ و مذاب تجربه‌ها، دقت‌ها، تلاش‌ها، کشش‌ها و یادگیری‌ها و «تجهیزهای پیشین» دانست؟ اگر چنین باشد، (به زبان ساده) مصدق تا پیش از ۶۰ سالگی (پیش از ۱۳۲۰) چه دستاوردهایی برای ایران داشته؟ باید به همین بسنده کنیم که والی فارس و آذربایجان بوده، وزیر مالیه بوده، مستوفی بوده و پس؟

کتاب «مصدق بدون نفت: از تولد تا ۱۳۳۰» اثر اخیر رسول رئیس جعفری است که نشر نهادگرا آن را چاپ کرده است. پیش از این کتاب «روایت یک فروپاشی» از همین نویسنده و همین ناشر به چاپ پنجم رسیده است. نویسنده در کتاب تازه خود تلاش کرده تا (به تصریح خویش) مصدق را از سایه نفت بیرون بیاورد و نشان دهد رهبر نهضت ملی شدن نفت، تا چند سال‌ها و پایانی عمر سیاسی خود پدیدار نشد؛ بلکه مصدق نتیجه و حاصل دهه‌ها تجربه، آموزش، مسئولیت اجرایی، مشاهده فروپاشی‌ها، کودتاها، قراردادهای تحقیرآمیز، کشمکش‌های داخلی و مداخله‌های خارجی بود. و به‌درستی با همین نگاه است که کتاب زندگی مصدق را تا سال ۱۳۳۰ (حدود یک دهه پیش از نخست‌وزیری او) دنبال می‌کند و به‌درستی می‌پرسد: «مصدق چگونه به کسی تبدیل شد که توانست آن تصمیم‌ها را بگیرد؟» و به این ترتیب است که نویسنده سراغ خانواده، تحصیلات، تجربه‌های اداری، منش اخلاقی، حساسیت حقوقی، نگاه مالی و اقتصادی و مواجعه او با استدلال و استعمار رفته و مشواها ارزنده‌ای برای یافتن پاسخی به پرسش بنیادین خود فراهم آورده است.

کتاب با بررسی تبار و خانواده مصدق آغاز می‌شود و سپس مسیر ورود او به سیاست و اداره کشور را دنبال می‌کند. پس از ارائه نکاتی خواندنی و آموزنده درباره خانواده مصدق و مسیر ورود او به «سیاست» دو فصل برجسته و بسیار قابل تأمل را پیش کشیده است: «مالیه روح مشروطه است» و «مصدق یک مرجع علمی». به استناد نوشته‌هایی که از مصدق باقی مانده است بویژه کتاب «اصول، قواعد و قوانین مالیه در ممالک خارجه و ایران قبل از مشروطیت و دوره مشروطه»، محمد مصدق یکی از نادر (و به واقع انگشت‌شمار) ایرانیان مسلط و آگاه به «نظام مالیه عمومی» نه‌تنها در ایران پیش از مشروطه، که در ایران پس از مشروطه و نه‌تنها ایران بلکه کشورهای اروپایی مختلف بوده است. کتاب او از چنان کیفیت بالایی برخوردار است که امروز و در پس یکصد سال هنوز می‌تواند مرجعی برای آموزش درس بودجه باشد. همچنین گفته‌ها و نوشته‌های حقوقی مصدق درباره موضوع‌های دشواری چون اپیتولاسیون، حقوق ملی و تنظیم رابطه قوای سه‌گانه از برترین آثار ایرانیان یکصد سال اخیر است. و همان‌گونه که کتاب بارها یادآوری کرده هنوز این جنبه از زیست دکتر مصدق چندان که باشد و انچنان که باید کنکاش نشده است.

رئیس جعفری در بخش مهمی از کتاب «مصدق بدون نفت» به قرارداد ۱۹۱۹، کودتای ۱۲۹۹، والی‌گری فارس، وزارت مالیه، والی‌گری آذربایجان، وزارت خارجه، مجلس پنجم، مخالفت با تغییر سلطنت و آغاز سلطنت رضاشاه پرداخته و در میان اینها گردآوری ارزنده‌ای از دیدگاه‌های دکتر مصدق درباره «مسأله راهان» به دست داده است. تنها کافی است یک بار دیدگاه‌های او و شیوه استدلالش درباره این موضوع و دلایل مخالفتش با خط آهن شمال به جنوب خوانده شود تا گستره دانش، دقت‌های سیاستی و از همه بالاتر به «روش یا منطق استدلال» او پی برد. این بخش از کتاب از درخشان‌ترین صفحه‌های کتاب است که به‌مانند هر اثر پژوهشی دیگر، با پاسخ به برخی از کتاب به درک اقتصادی مصدق از مفهوم سبتر و پیچیده استقلال پرداخته شده است. به باور نویسنده، استقلال برای او فقط شعار سیاسی نبود. مصدق می‌دانست کشوری که مالیه مستقل، بنیه تولیدی، نظام اداری منظم و نهادهای قانونی نداشته باشد، در برابر فشار خارجی آسیب‌پذیر می‌ماند. از همین رو، توجه او به شرکت‌های سهامی، مالیه، بودجه، شیوه‌های نوین اداره و نقد پروژه‌های بزرگ مانند راه‌آهن، بخش مهمی از شخصیت او را روشن می‌کند.

برای ایرانیانی که ماه‌ها به غایت دشوار و پرتنش و مملو از اضطراب و اضطراب را سپری کرده‌اند، خواندن این کتاب می‌تواند به فهمی تاریخی از مشکلات امروز کمک کند. در این کتاب با مرور زندگی مصدق و بازخوانی دیدگاه‌های او درباره مباحثی به‌جز نفت، راهنماها و چارچوب‌های درخوری برای تأمل درباره مسأله‌هایی چون رابطه مردم و حکومت، مسأله قانون، اقتصاد سیاسی وابستگی، نقش نهادهای مالی، خطر تمرکز قدرت و نسبت میان استقلال و توسعه به دست آورد. گویی مصدق ایستاده و عصاره و فشرده تمام ۷۰ سال زندگی خویش را پیشکش کرده باشد! تحفه‌ای از مردی که نام ایران را بلند و خوش‌آوازه کرد، کسی که هنوز باید شناختش و هنوز باید از او آموخت. رئیس جعفری در کتاب «مصدق بدون نفت» در پیچه توانمندی برای این شناخت و یادگیری فراهم کرده است.